یادداشت

حمیدرضا شاه‌نظری

پاسخ تهاجمی به جنگ شناختی دشمن

امروز قریب به شش ماه از پایان تهاجم ناجوانمردانه ۱۲ روزه و توقف جنگ رژیم صهیونیستی و امریکا علیه ایران می‌گذرد. پس از توقف جنگ، عرصه‌های دیگر تهاجم دشمن، به خصوص تهاجم شناختی و ادراکی به صورتی پرقدرت‌تر از قبل ادامه یافت و فقط میدان عوض شد؛ جایی که گلوله جنگی شلیک نمی‌شود، اما با گلوله‌های رسانه‌ای، ذهن‌ها هدف گرفته می‌شوند و جنگی آغاز می‌شود که هدفش نه اشغال سرزمین، بلکه اشغال ذهن و مدیریت ادراک است. دشمن در این فاز دیگر دنبال اثبات پیروزی نظامی نیست، بلکه می‌خواهد یک حس دائمی بسازد؛ اینکه «همه چیز موقت است»، «هیچ چیز تثبیت نشده» و «هر لحظه ممکن است دوباره جنگ آغاز شود» و این همان «سایه جنگ» است؛ سایه‌ای که اگر بماند، حتی بدون جنگ واقعی، می‌تواند اقتصاد را معلق نگه دارد، تصمیم‌ها را به تعویق بیندازد و امید به آینده را فرسایش دهد.

با نگاه به رفتار رسانه‌های غربی و شبکه رسانه‌ای هم‌راستای آن‌ها، یک الگوی تکرارشونده دیده می‌شود. تیترها به ندرت می‌گویند «بحران تمام شد». بیشتر می‌گویند «آتش‌بس شکننده است»، «تنش‌ها فروکش کرده، اما خطر باقی است» و «منابع آگاه از احتمال دور بعدی تهاجم خبر می‌دهند». روشن است که این‌ها خبر دقیق و صحیح نیستند، بلکه ابزارند. ابزار القای بی‌ثباتی و عدم قطعیت و ایجاد تعلیق ذهنی و روانی. دشمن با تکرار پیام‌های «آتش‌بس شکننده»، «احتمال درگیری جدید» و «ابهام در روایت‌ها»، در پی ایجاد یک «تعلیق همیشگی» است تا جامعه ایران را در وضعیتی بینابین جنگ و صلح، دچار تردید و اضطراب نگه دارد. هم‌زمان، روایت رسمی جمهوری اسلامی ایران دائماً در معرض تردیدسازی قرار می‌گیرد. در این مرحله، حقیقت ماجرا، اهمیت درجه دوم دارد؛ مهم این است که مخاطب به این جمع‌بندی برسد که «چیزی پنهان می‌شود؟» در سطحی عمیق‌تر، جنگ شناختی وارد حوزه اقتصاد می‌شود و با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، نگرانی شرکت‌های بیمه یا احتمال اختلال در مسیرهای تجاری، اثرش را می‌گذارد و با تعویق تصمیم‌های اقتصادی به تورم و آشفتگی در بازارها دامن می‌زند. تحلیل‌های اندیشکده‌های غربی هم نقش مکمل دارند؛ تحلیل‌هایی پر از لحن قاطع، اما کم‌داده که ایران را «در وضعیت شکننده» معرفی می‌کند، بدون عدد و بدون سند روشن، اما با اضطراب کافی برای اثرگذاری. هدف نهایی این جنگ رسانه‌ای و ادراکی این است که تاجر، سرمایه‌گذار، کاسب و حتی خانواده‌ها آینده را غیرقابل برنامه‌ریزی ببینند. هدف روشن است؛ فلج کردن تصمیم‌گیری بلندمدت و کشاندن صحنه اضطراب و اعتراض به خیابان به عنوان مقدمه اقدامات خصمانه آینده.

خطاها در مواجهه با این جنگ ادراکی: اولین خطا، واکنش صرفاً دفاعی است. وقتی همه پاسخ‌ها یا تکذیب عصبی‌اند یا سکوت مبهم، روایت دشمن جلو می‌افتد و جنگ شناختی دشمن با خلأ تغذیه می‌شود. خطای دوم، چندصدایی ناهماهنگ است. وقتی هر مقام یا رسانه‌ای حرفی متفاوت بزند، حتی اگر نیت‌ها درست باشد، نتیجه چیزی جز تولید شک نیست. خطای سوم، امنیتی کردن همه‌چیز در رسانه‌هاست. وقتی زندگی، اقتصاد، آینده و برنامه از قاب رسانه بیرون می‌رود و فقط تهدید باقی می‌ماند، دشمن بدون شلیک به هدفش رسیده است.

چرا پاسخ تهاجمی شناختی ضروری است؟ اگر پاسخ‌ها فقط دفاعی باشند، پیام پنهان این است که «ما تحت فشاریم». در حالی که واقعیت این است که «اگر دشمن می‌توانست مجدداً جنگ را تحمیل کند، نیازی به این حجم عملیات رسانه‌ای نداشت». باید به دشمن پاسخ تهاجمی داد همان گونه که رهبر معظم انقلاب چندی پیش مطالبه کردند. پاسخ تهاجمی شناختی نیز به‌معنای تهدید یا شعار نیست، بلکه به‌معنای «جابه‌جایی کانون اضطراب و بی‌ثباتی» است. باید این پرسش‌ها به‌تدریج برجسته شوند؛ چرا با وجود همه ادعاها، جنگی رخ نداد؟ چه محدودیت‌هایی جلوی دشمن را گرفت؟ هزینه ادامه تنش برای آنها چیست؟ هم‌زمان باید هزینه‌های طرف مقابل روایت شود؛ فشارهای داخلی، هزینه‌های اقتصادی، بحران مشروعیت، و فرسایش امنیتی. نه با اغراق، بلکه با داده و روایت انسانی. زمان آن فرا رسیده که با درکی عمیق از ابعاد این نبرد، از حالت انفعال خارج شویم و با تهاجم شناختی هوشمند، خلاق و برنامه‌ریزی‌شده، ابتکار عمل را به دست گیریم. پیروزی در این میدان، مستلزم تحولی استراتژیک در نگرش و اقدام است.

الزامات تهاجم شناختی راهبردی: ۱) جابه‌جایی کانون روایت: از دفاع به پیشروی نباید صرفاً به اصلاح یا تکذیب روایت دشمن مشغول باشیم. باید کانون گفت‌وگو را به عرصه‌ای منتقل کنیم که ما تعریف می‌کنیم. روایت غالب باید حول محور «عبور از بحران و گشایش افق‌های جدید» بچرخد. تأکید بر «روندهای مثبت پساجنگ»، «فرصت‌های نوین همکاری‌های منطقه‌ای» و «تاب‌آوری و ظرفیت عظیم داخلی» می‌تواند سایه جنگ را از اذهان بزداید.

۲) عادی‌سازی به مثابه سلاح مقابله‌ای: نمایش زندگی جاری ثبات با بیانیه ساخته نمی‌شود، بلکه با نمایش عینی زندگی در جریان تثبیت می‌گردد. روایت‌سازی از افتتاح پروژه‌های ملی، رونق بازارها، جریان عادی سرمایه‌گذاری‌ها و هم‌نوایی اجتماعی، قوی‌ترین پادزهر برای القای بی‌ثباتی است. دوربین رسانه ملی باید از وضعیت «اضطراری» خارج شده و «عادی بودن» و «پیشرفت» را به تصویر بکشد.

۳) روایت‌سازی تهاجمی و مسئولانه: وحدت کلام و شفافیت هوشمند: پراکندگی و چندصدایی ناهماهنگ، آب به آسیاب جنگ شناختی دشمن می‌ریزد. ضروری است با روایت واحد، منسجم، آرام و مبتنی بر واقعیت‌های ملموس، فضای رسانه‌ای را مدیریت کنیم. شفافیت هدفمند و هوشمندانه نه سکوت مبهم و نه انفعال هیجانی، اعتماد را تقویت کرده و فضای ابهام را می‌زداید.

۴) هدفگیری نقاط آسیب‌پذیر دشمن: انتقال اضطراب به سوی مقابل: تهاجم شناختی مؤثر، فقط معطوف به دفاع از خود نیست، بلکه باید هزینه‌های سنگین اقدامات خصمانه را برای طرف مقابل برجسته کند. باید پرسش‌هایی را در اذهان جهانی پررنگ نمود؛ چرا با وجود همه تحریکات، دشمن نتوانست به اهداف خود برسد؟ هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ادامه این مسیر برای رژیم صهیونیستی و حامیانش چیست؟ بحران مشروعیت و فرسایش داخلی آنها در سایه این شکست راهبردی چگونه است؟ روایت این هزینه‌ها با زبان داده و مثال‌های انسانی، جنگ را برای دشمن «گران» می‌کند. علاوه بر این باید سایه جنگ بر سر دشمن به صورت تشدیدشونده و جدی گسترده شود و این ابتکار عمل نیروهای مسلح و مسئولان را بیش از پیش می‌طلبد. علاوه بر این روایت دشمنی مردم جهان و افزایش نفرت جهانی از صهیونیست‌ها با ابتکارات مختلف رسانه‌ای بسیار مهم و ضروری است.

۵) سرمایه‌گذاری بر قدرت قصه‌گویی مردم‌محور: مؤثرترین روایت‌ها، آنهایی هستند که از دل زندگی مردم برمی‌خیزند. باید بستری فراهم کرد تا قصه مقاومت، تاب‌آوری و امید از زبان اقشار مختلف جامعه از صنعتگر و کشاورز تا دانشمند و هنرمند روایت شود. این صداهای اصیل و غیررسمی، در نفوذ به قلب‌ها و افکار جهانی، از هر بیانیه رسمی کارآمدترند.

۶) مردم؛ خط مقدم نبرد و پیروزی: در این جنگ نامرئی، هر شهروند یک سرباز شناختی است. هر تصمیم اقتصادی عقلانی، هر بازنشر نکردن شایعه، هر بی‌اعتنایی آگاهانه به تیترهای تحریک‌کننده، و هر قدم در مسیر توسعه زندگی فردی و جمعی، ضربه‌ای است به پیکره جنگ روانی دشمن. آرامش، عقلانیت و تداوم پیشرفت جامعه، مرگبارترین سلاح در برابر استراتژی «تعلیق و هراس» است. دشمن می‌کوشد با ایجاد «سایه جنگ»، جامعه ما را در حالتی از انفعال و انتظار نگه دارد. پاسخ قاطع ما، نه انفعال، که «قدام و تهاجم شناختی» است. با خلق روایت‌های جذاب از آینده، نمایش عینی ثبات و پیشرفت، هدفگیری هوشمندانه نقاط ضعف دشمن، و تبدیل هر شهروند به کنشگری آگاه در این میدان، می‌توانیم این سایه موهوم را بزداییم و ابتکار عمل را برای ساختن فردایی روشن‌تر، کاملاً در دستان خود بگیریم.

دفاعی

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح:

ارتقای دائمی توان پدافند هوایی اولویت کشور است

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید از قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا(ص) کشور تأکید کرد: ارتقای روز به روز، مستمر و دائمی توان پدافند هوایی ایران اسلامی، از اولویت‌های کشور است.

امیر سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی در بازدید از قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا(ص) کشور، ضمن حضور در بخش‌های مختلف و بررسی اقدامات صورت گرفته، به تلاش‌ها برای ارتقای توان پدافند هوایی ایران اسلامی اشاره کرد و اظهار داشت: امروز فرصتی ایجاد شد تا بتوانیم در جمع همرزمان خود در پدافند هوایی حاضر شویم و از چگونگی پیشبرد اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته از سوی آنان برای ارتقای توان پدافند هوایی کشور بازدیدی داشته باشیم. وی همچنین لزوم ارتقای بیش از پیش توان پدافند هوایی کشور را مورد تأکید قرارداد و تصریح کرد: ارتقای روز به روز، مستمر و دائمی توان پدافند هوایی ایران اسلامی، از اولویت‌های کشور است.

موسوی گفت: همرزمان ما در پدافند هوایی با ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی و بهره‌گیری از دانش، تخصص و همت بلند خویش، در چند ماه اخیر، اقدامات بسیار بزرگ و قابل توجهی را در عرصه ارتقای توان پدافند هوایی کشور ترتیب داده‌اند که شایسته قدردانی است. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ادامه داد: با اتکا به اقدامات صورت گرفته در پدافند هوایی کل کشور، باید گفت که استمرار ارتقای توان پدافند هوایی به خوبی در حال انجام است و این ماحصل اقدامات شبانه روزی و بدون وقفه همرزمان ما در مجموعه پدافند هوایی کشور است.

وی ضمن قدردانی از مسئولان، کارکنان و رزمندگان این قرارگاه گفت: تمامی پیشرفت‌ها حاصل کار هم‌افزا، هماهنگ، شبانه روزی و فداکارانه مجموعه دانشمندان، محققان، فرماندهان، شرکت‌های دانش بنیان، صنایع دفاع، مراکز جهاد خودکفایی ارتش و سپاه است. ما از همه آنان تشکر و قدردانی می‌کنیم و امیدواریم قرارگاه پدافند هوایی در مسیر پیش روی خود، موفق باشد و ضمن دستیابی به اهداف تعیین شده، در مأموریت‌های واگذاری، موفق عمل کند.

موسوی در بخش دیگری از سخنان خود خاطرنشان کرد: پدافند هوایی ارتش و سپاه، بازوان قدرتمند مطمئن و با ارزشی هستند که می‌توانند یاری بخش قرارگاه پدافند در پیشبرد راهبردها و هدف‌گذاری‌های نوین قرار گیرند و در ارتقای ظرفیت‌های کمی و کیفی، بهره‌گیری از سامانه‌های نوین و روز آمد و نیروی انسانی متعهد، شجاع، کارآمد و تقویت سپر دفاعی شبکه یکپارچه پدافند هوایی، برای رویارویی موفق با تهدیدات، در هم‌افزایی با سایر نیروها و سازمان‌های فعال و مسئول نقش اساسی ایفا کنند.

خبریک

دستور مجدد و مؤکد رئیس عدلیه به رئیس سازمان بازرسی

نوسانات ارزی را رها نکنید و ابتر نگذارید

هفته گذشته بود که رئیس قوه قضائیه، در نشست شورای عالی قوه قضائیه به رئیس سازمان بازرسی دستور داد که به مسئله ارز و نوسانات بازار ارز ورود و موضوع را در جلسه فوق العاده شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی طرح کند. دیروز هم حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای، طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، با یادآوری دستور هفته گذشته خود خطاب به رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: تأکید ما بررسی جامع در این فقره است.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، رئیس قوه قضائیه، با اشاره به مبحث نوسانات ارزی که در جلسه گذشته نیز تأکیداتی در باب آن داشت، گفت: تأکید ما بررسی جامع در این فقره است. باید اشکالات کار در این قضیه، مشخص و معلوم شود که آیا قصور است یا تقصیر؟ آیا مشکلات ارزی، ناشی از ساختارها و نحوه مدیریت است یا فشارهای دشمن؟ سازمان بازرسی بدون درنگ و بلافاصله، جلسه‌ای را با حضور نمایندگان همه دستگاه‌های نظارتی، بانک مرکزی و برخی افراد مؤثر در مجلس و تعدادی از کارشناسان و صاحبنظران تشکیل داد، مقرر شده این جلسه بار دیگر تشکیل شود تا بررسی‌های جامع درخصوص موضوع مذکور، تکمیل شود، تأکید مؤکد ما نیز آن است که به هیچ وجه نباید این قضیه رها شود و ابتر بماند، هدف اصلی ما در این فقره، رفع مشکل است، نه صرف برپایی جلسات. باید علل و عوامل بروز و پیدایش مسائل ارزی روشن و مشخص شود. ضروری است اقداماتی که در این عرصه قوای سه‌گانه، بانک مرکزی، بخش خصوصی و مردم باید انجام دهند، مشخص گردد. در این حوزه باید کار کارشناسی دقیق و جامع صورت گیرد.

■ درباره فساد و مفسد اغماض نمی‌کنیم

رئیس قوه قضائیه در ادامه ضمن تبیین و تشریح ابعاد مقوله مبارزه با فساد، اظهار کرد: مطالبه‌گری مردم در بحث مقابله با فساد، مطالبه‌ای درست و بحق است. در شرایط گرانی و تورم، چنانچه فرد یا افرادی با سوءاستفاده از شرایط بخواهند فشار مضاعف به مردم تحمیل کنند و مرتکب فساد شوند، قطعاً باید قاطعانه و مجدانه، مورد برخورد قانونی قرار گیرند، لکن این برخوردِ قاطعانه و مجدانه باید عالمانه هم باشد و همه جوانب در قبال آن، مراعات شود.

رئیس قوه قضائیه تصریح کرد: هدف ما ریشه‌کن کردن فساد است، فساد به صرف بگیر و ببند و زندان و مجازات، ریشه‌کن نمی‌شود. این را تجربیات گذشته نیز ثابت کرده است. باید ریشه‌ها، گلوگاه‌ها و زمینه‌های فساد را رفع و مسدود کرد، بعضاً باید رویه‌ها و ساختارها را اصلاح کرد، باید تعارضات را رفع کرد، باید آگاهی‌بخشی عمومی را گسترش و بسط داد، باید تنبه بیشتر داد، باید قانونی که تصویب می‌شود و فسادزدا و شفافیت‌افزا است را به صورت تمام و کمال اجرایی کرد، باید دستگاه‌های نظارتی و بخش‌های فرهنگی و تبلیغاتی و فعالان بخش خصوصی و مؤثران در ایجاد ساختارهای شفافیت‌افزا و فسادزدا، به همگرایی و هم‌افزایی بیش از پیش نائل شوند، در کنار این موارد، قطعاً و یقیناً باید مرتکبین فساد را هم وفق قانون، محاکمه و مجازات کرد، با مجموع این تدابیر و تمهیدات است که فساد ریشه‌کن می‌شود.

رئیس دستگاه قضا بیان داشت: قوه قضائیه همچون گذشته و حتی بیش از گذشته، مبارزه عالمانه و مجدانه با فساد را در صدر اولویت‌های خود قرار داده است و در برابر هر فساد و مفسدی که وفق قوانین و موازین و مقررات، فساد او ثابت و احراز شود، بدون کوچکترین اغماض و تردید و ملاحظه‌ای، خواهد ایستاد، لکن بار دیگر تأکید می‌کنم که این امر به تنهایی ما را در قضیه ریشه‌کن کردن فساد، به سرانجام مطلوب نمی‌رساند و لوازم و ملزومات دیگری نیز نیاز است، باید همه قوا، دستگاه‌ها، مردم، بخش خصوصی و.. دست در دست هم دهیم تا هدف غایی که همان ریشه‌کن کردن فساد است، حاصل شود.

■ وحدت و انسجام ملی مقطعی و تاکتیکی نیست

محسنی اژه‌ای در بخش دیگری از سخنانش در نشست امروز با اشاره به تلاش دشمنان برای ایجاد انشقاق و اختلاف در امت اسلام و جامعه ایران اسلامی اظهار کرد: باید بسیار هوشیار باشیم، دشمن کاری را که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نتوانست انجام دهد می‌خواهد با روایت‌سازی‌های جعلی و فتنه‌گری، محقق کند، دشمن می‌خواهد اتحاد و انسجام ما را مخدوش سازد و ما را سرگرم مسائل فرعی و حاشیه‌ای و دست‌چندم کند، نباید ناخواسته در زمین دشمن بازی کنیم، دشمن گاهی حرفی را وسط می‌اندازد تا اذهان ما را درگیر سازد. باید زمان‌شناس و دشمن‌شناس باشیم، هر کجا وحدت و انسجام و همدلی ما بیشتر بود، توطئه‌های دشمن خنثی شده است و کارها بهتر و مطلوب‌تر پیش رفته است، باید فقط متمرکز بر رفع مشکلات مردم باشیم، نه پرداختن به حواشی‌ای که دشمن در پشت پرده آنها قرار دارد.

نقد و نظر

سلاطین خودبینی و فرافکنی مثل کارگزاران سازندگی

محسن هاشمی از دولت خواسته است که با حزب کارگزاران سازندگی مشورت کنند تا مشکلات کشور حل شود اما در عباراتی متناقض و البته بسیار وقیح و خودبینانه که بازنمایی عادت زشت فرافکنی آنان در انتهای بن‌بست‌هایی است که خود ایجاد می‌کنند گفته: «سطح مشکلات به حدی رشد یافته که لازم است بالادستی‌ها به موضوع ورود کنند، افراد متنفذ در دولت جلسات جدی و مستمری با رهبری برگزار کنند، اطلاعات دقیقی در اختیار ایشان قرار داده شود و برای برون‌رفت از مشکلات از ایشان کمک بخواهند تا کشور از این سیکل بسته خارج شود». این وقاحت که هر وقت کار دولت‌های اصلاح‌طلب دشوار می‌شود حرف از رهبری را به میان می‌آورند، تمامی ندارد. رهبری اطلاعاتی دقیق از مشکلات دارد، آنچه وجود ندارد، وجدان و شرافت در میان کسانی است که فقط و فقط برای رسیدن خودشان به مناصب و مصادر، هوچی‌گری و فرافکنی می‌کنند.

آبان ماه گذشته بود که در همین ستون در مطلبی با عنوان «اصلاح‌طلبان گردن‌نگیرترین جریان سیاسی» به نقد مواضع حسین مرعشی دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی، در مواجهه با دولت دکتر پزشکیان پرداختیم. مرعشی در گفت و گویی با طرح این نکته که حزبش هیچ نماینده‌ای در دولت پزشکیان ندارد، در عین حال از اینکه کارگزاران سازندگی در دولت چهاردهم نماینده ندارد، اظهار خوشحالی کرده بود!

در آن نقد نوشتیم مدعیان اصلاح‌طلبی هنگامی هم که دولت روحانی را برکشیدند، با او بودند، اما به محض اینکه با مشکلات فراوانی خصوصاً در حوزه اقتصاد و معیشت گرفتار آمد، بلافاصله ابراز برائت و بارها تأکید کردند او نماینده حزبی ما نبوده است و از سر اجبار، انتخابش کردیم. اکنون هم که دولت پزشکیان درگیر مشکلات فراوانی در داخل و خارج است، به جای اینکه به حمایت و پشتیبانی از او برخیزند، خوشحال‌اند که در دولتش نیستند.

اکنون اما محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب خانوادگی کارگزاران سازندگی، در گفت و گو با روزنامه اعتماد، تمنای مشارکت کارگزاران در دولت را علنی کرده و گفته است: «اگر دولت با امثال ما هم موضوعات را در میان بگذارند و کمک بخواهند می‌توان مشکلات را کاهش داد. متأسفانه هنوز چنین ارتباط نزدیکی میان دولت و کارشناسان و صاحب‌نظران و نخبگان شکل نگرفته است. افراد و گروه‌هایی که از دولت حمایت کرده‌اند، باید در پیشبرد امور هم مشارکت داشته باشند.» هاشمی در این گفت و گو البته به سیاق همه اصلاح‌طلبان، باز هم به همان تئوری تکراری و فرافکنانه «نمی‌گذارند» متوسل شده است. «به نظرم سطح مشکلات به حدی رشد یافته که لازم است بالادستی‌ها به موضوع ورود کنند. لازم است از رهنمودهای رهبری برای رفع مشکلات استفاده شود، افراد متنفذ در دولت جلسات جدی و مستمری با ایشان برگزار کنند، اطلاعات دقیقی در اختیار ایشان قرار داده شود و برای برون‌رفت از مشکلات از ایشان کمک بخواهند تا کشور از این سیکل بسته خارج شود.» او سپس اضافه کرده: «مهم‌ترین چالش پیش روی کشور و دولت در بخش‌های اقتصادی و معیشتی نمود دارد. علت اصلی این مشکلات افزایش نرخ ارز است که به صورت غیرمستقیم در معیشت مردم تاثیرگذار است و باعث افزایش فقر، رشد تورم، کاهش قدرت خرید و... می‌شود. رفع این مشکلات اما در گرو ثبات مدیریتی، اجماع نخبگانی، استفاده از متخصصان و شایستگان و حمایت از دولت است.»

اولاً به روایت آمار باید گفت جز دولت نهم و دهم و همچنین دولت سه ساله شهید رئیسی، همه دولت‌های پس از جنگ در اختیار اصلاح‌طلبان و به صورت مشخص کارگزاران سازندگی بوده است، بنابراین اگر مشکلات انباشته‌ای هست -که هست- ناشی از عملکرد همین جریان پرتوقع و البته گردن‌نگیر است. اینها همان‌هایی هستند که گفتند «انا رب الابل!» یعنی مهم نیست پس از ما چه برسر دولت بعدی خواهد آمد، حال را بچسبید. ثانیاً در همین دولت هم استخوان بندی دولت، خصوصاً در حوزه‌های اقتصادی باز هم در اختیار اصلاح‌طلبان است، بنابراین حواله دادن مشکلات به بالادستی، اقدامی نفاق‌آلود و از سر استیصال است. ضمن اینکه به سیاق همه دولت‌های گذشته رهبر معظم انقلاب همواره از این دولت حمایت کرده و مجلس نیز در همراهی با کابینه دکتر پزشکیان سنگ تمام گذاشت و به همه وزرای پیشنهادی رأی اعتماد داد. ثالثاً بیماری مزمنی که اصلاح‌طلبان همواره گرفتار آن هستند، نگاه روشنفکرمآبانه به مسائل است. آنها یاد گرفته‌اند چه در حاکمیت باشند و چه در بیرون آن منتقد وضع موجود باشند، بی‌آنکه برای برون رفت از مشکلات ایده و برنامه‌ای داشته باشند. آنها علاقه‌مند هستند در هر شرایطی نقش اپوزیسیون بازی کنند. این قبیله مصداق همان مصرع شعر شیخ اجل سعدی هستند که فرمود: یکی بر سر شاخ، بن می‌برید.

یادداشت

فرمول پیروزی ایران بر فشارهای جهانی

سیدعبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

در دنیای بحران‌های رسانه‌ای و تحریم‌های بین‌المللی، ایران ایستاده است. این ایستادگی نه فقط برای مقابله با فشارها، بلکه برای تبدیل آنها به فرصت‌ها است. «فرمول مقاومت ملی» ایران قدرت جدیدی را در عرصه جهانی به نمایش گذاشته است. در شرایطی که جنگ شناختی دشمن بر افکار عمومی ایرانیان سایه افکنده، بازخوانی این فرمول و ظرفیت‌های ملت ایران بیش از هر زمان دیگر ضروری است.

۱. از فشار تا پیشرفت، ایران در برابر چالش‌ها: در چهار دهه اخیر، ایران ثابت کرده که هرچه فشارهای دشمن بیشتر شود، ظرفیت‌های داخلی برای مقاومت و پیشرفت هم بیشتر می‌شود. برخلاف بسیاری از کشورها که در برابر فشارها فرو می‌پاشند، ایران توانسته این فشارها را به سکوی جدیدی از قدرت تبدیل کند. رهبر انقلاب در سالروز ولادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در دیدار با مداحان و اقشار مختلف مردم تأکید کردند: «کمبودها کم نیست، اما ملت ایران همچنان در حال پیشرفت است». این پارادایم معکوس، به معنای پیروزی ایران در برابر چالش‌ها است.

۲. شکست فشارهای دشمن و دلایل آن: مکانیزم «مقاومت ملی» ایران را باید در سه لایه تحلیل کرد: لایه هویتی ـ فرهنگی: ایران نه تنها با قدرت نظامی، بلکه با «هویت دینی ریشه‌دار» و «تجربه تاریخی استعمارستیزی» مقاومت می‌کند. این لایه‌ها مانند سپری عمل می‌کنند که دشمن نمی‌تواند به آنها نفوذ کند.

لایه اجتماعی ـ روانی: مردم ایران آموخته‌اند که هدف از فشارهای خارجی تغییر هویت ملی است. این آگاهی عمومی موجب همبستگی و واکنش جمعی به تهدیدات می‌شود. در لحظات تهدید، ایران میان «دشمن» و «مشکل» تفکیک قائل می‌شود.

لایه ژئوپلیتیکی ـ راهبردی: مقاومت ملی ایران، فقط واکنشی عاطفی نیست، بلکه پشتوانه‌هایی استراتژیک مثل «قدرت دفاعی»، «شبکه مقاومت در غرب آسیا» و «توان موشکی» دارد که باعث می‌شود فشارهای خارجی نه تنها بی‌اثر، بلکه نتیجه معکوس دهند. رهبر انقلاب تصریح کردند: «اگر دشمن با ایران چنین فشارهایی را اعمال می‌کرد، هر کشور دیگری فرو می‌پاشید».

۳. تبدیل فشارها به فرصت: ویژگی اصلی «مقاومت ملی» ایران این است که فشارهای خارجی به آگاهی مردم تبدیل می‌شود. هر تهدید جدید نه تنها ترس نمی‌آفریند، بلکه سطح درک مردم از ماهیت دشمن و برنامه‌های آنها را بالا می‌برد. این فرایند باعث می‌شود که مردم از فشارها به‌جای آسیب، بهره‌برداری کنند.

ویژگی دوم این است که چالش‌ها به فرصت تبدیل می‌شوند. تحریم‌های اقتصادی باعث تقویت تولید ملی، فشارهای نظامی موجب پیشرفت‌های دفاعی و تحریم‌های علمی به جهش‌های علمی منجر شده است. این تغییر نگرش، به «تبدیل تهدید به فرصت» بدل شده است.

۴. جنگ رسانه‌ای، میدان جدید نبرد: رهبر انقلاب بر اهمیت جنگ رسانه‌ای تأکید کرده و فرمودند که ایران در «کانون جنگ رسانه‌ای» قرار دارد. دشمن متوجه شده که نمی‌تواند ایران را با فشار نظامی شکست دهد، بنابراین تمرکز خود را روی تغییر «مغزها، دل‌ها و باورها» گذاشته است. در این زمینه، مداحان، هیئت‌ها، فعالان فرهنگی و کاربران شبکه‌های اجتماعی، بخشی از ساختار دفاعی ایران در برابر جنگ رسانه‌ای دشمن هستند. هدف اصلی دشمن از جنگ رسانه‌ای، تغییر «هویت دینی، تاریخی و فرهنگی» ملت ایران است. «مقاومت ملی» به رویکرد رسانه‌ای و فرهنگی تبدیل شده که شامل «تقویت سواد رسانه‌ای»، «بازخوانی هویت» و «جلوگیری از نفوذ اخبار جعلی» می‌شود.

مقاومت ملی ایران به‌هیچ‌وجه به معنای توقف نیست. ایران از هر چالشی به عنوان فرصتی برای پیشرفت بهره برده است. این فرمول در هیچ کشوری قابل تکرار نیست، زیرا بر اساس یک تجربه تاریخی و یک بافت فرهنگی منحصر به فرد شکل گرفته است. در شرایطی که دشمن به فشارهای خود ادامه می‌دهد، ایران از این فشارها برای تقویت قدرت داخلی، پیشرفت علمی و مقابله با جنگ فرهنگی بهره می‌برد.

پیروزی ایران نه در دستان قدرت‌های غربی، بلکه در دستان مردم ایران است. «مقاومت ملی» به معنای «ایستادگی در برابر تحمیل فرهنگی»، «حفظ امید» و «اعتماد جمعی» است که ایران را از پیچ‌های تاریخی عبور داده و در آینده نیز چنین خواهد بود.

گزیده خبر

مشاور فرمانده کل سپاه:

افراطی‌گری نتانیاهو صهیونیسم را ذلیل کرده است

مشاور فرمانده کل سپاه با تأکید بر تسریع روند افزایش نفرت از رژیم صهیونیستی در افکار عمومی رأی‌دهندگان امریکایی، گفت: افراطی‌گری نتانیاهو، صهیونیسم بین‌الملل را ذلیل کرده است.

سردار محمدرضا نقدی، مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با دفاع‌پرس، در تحلیل تأثیر افکار عمومی امریکا بر روندهای انتخاباتی این کشور، اظهار داشت: شواهد نشان می‌دهد که معادلات سنتی حمایت بی‌قید و شرط نامزدهای ریاست‌جمهوری امریکا از رژیم صهیونیستی در حال تغییر است.

سردار نقدی با اشاره به سنت چند دهه‌ای حضور نامزدهای امریکایی در اجلاس آیپک و اعلام وفاداری به آن، افزود: منحنی رو به بالای محبوبیت و حمایت از فلسطین و تسریع روند افزایش نفرت از رژیم صهیونیستی در افکار عمومی رأی‌دهندگان امریکایی، که در انتخابات اخیر شهرداری‌ها در ایالت‌های مختلف خود را نشان داد، بیانگر آن است که معادلات عوض شده است؛ به‌ویژه آنکه تداوم جنایات رژیم در کشتار فلسطینی‌ها، محاصره غذایی، قطع مسیر انرژی در سرمای زمستان، شهرک‌سازی در اراضی فلسطینیان و... دارد به این روند محبوبیت از فلسطین و نفرت از صهیونیست‌ها دامن می‌زند.

مشاور فرمانده کل سپاه در خصوص اقدامات دولت امریکا برای کنترل فضای عمومی عنوان کرد: هرچند دولت امریکا تلاش زیادی می‌کند که با محدودسازی فضای مجازی و تطمیع اینفلوئنسرها، افکار عمومی را دستکاری کند، اما واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که این تلاش‌ها اثری ندارد. موج تنفر از نتانیاهو در جهان آن‌قدر بلند است که با این اقدامات، پنهان‌شدنی نیست و هر روز بیشتر می‌شود.

وی همچنین درباره تأثیر اقدامات رژیم صهیونیستی بر وجهه بین‌المللی صهیونیسم گفت: افراطی‌گری نتانیاهو، صهیونیسم بین‌الملل را ذلیل کرده است. اگر امریکایی‌ها فکری به حال نتانیاهو و توقف خشونت‌های باند جنایتکار او نکنند، با ادامه این روند قطعاً طی سال آینده نفرت از رژیم و محبوبیت فلسطینی‌ها به سطح بالاتری خواهد رسید. در این‌صورت، کاندیداهای دور بعد ریاست‌جمهوری امریکا این بار مجبور خواهند شد تا جای ممکن از آیپک فرار کنند، زیر بار حضور در آن نروند و برای رأی‌آوری به شعاردادن برای نجات فلسطین تن دهند.